

زهرا قربانی

دبیر

نوجوانه



دوربین نیکون DV۲۰۰ را دست گرفتم و اقدام بی سوز. این روشن ترین خاطره من از نمایشگاه مطبوعات و اولین جرقه من برای روزی بود که بنشینم گوشه نمازخانه روزنامه جام جم با چراغ های خاموش که هرچند دقیقه یک بار از جلوی پنجره عابری رد شود و بلند بلند حرف بزند و سیر تر و تمیز سرمقاله را خط خطی کند. عمرا دلم نمی خواست خبرنگار شوم. به سبک زندگی ام نمی آمد؛ سمج و پایپچ نماینده مجلس و سلبریتی شدن و حرف از غم مردم زدن و شب راحت سر روی بالش گذاشتن. اما آن روز در نمایشگاه مطبوعات سال ۹۵ دیگر کار از کار گذشته بود و زلفم به قلم نقادانه گره خورده بود دیگر.

حقیقتا ناالان خوب هم مقاومت نشان دادم تا از برچسب خبرنگار بودن فرار کنم. خصوصاً قبل نوجوانه که رویای سردبیری را توی سرم ترگل ورگش می کردم و دلم قنچ می رفت برای ساخت برنامه در تلویزیون، خوابش راهم نمی دیدم یک روز نمایشگاه مطبوعات و دیدار سرزده «ولی... سیف رئیس وقت بانک ملی» آتش خبر را به جانم بیندازد که روزی اگر روزنامه نگاری خوانده بودم احتمالا از مدرک کارشناسی ادبیات محض حال حاضر بهتر بود.

بعدها... اما بعدها...

آدم گاهی جرأت نمی کند راه رفته را برگردد. بیراه نمی گویم ها، از ۸ سال تجربه کاری در حوزه نوجوان می گویم. از رویایی که توی مغزم هرروز جزئی تر می شد، از نوجوانه. نوجوانه ای که صاحبانش هم دلخور می کنند چه برسد به مسئولین که شاید ورکش هم نزده باشند. درد دلم باز شده است و دلم می خواهد غر بزیم. انگار تنها، تنها نوجوانه را برای انبوهی از صندلی های خالی یک نمایش توی زندگی ام بازی اش می کنم و هیچ بیننده ای نمی بیندش و شاید اگر برگردم به نمایشگاه مطبوعات سال ۹۵ دوربین نیکون دی ۲۲۰۰ نوئم را دست بگیرم و تجربه امروز را داشته باشم هیچ وقت سمت نوجوان نیایم...

سواد عاطفی

واقعیت این که چه کسی اولین بار در مورد سواد عاطفی حرف زده است، کمی مورد بحث است؛ اما به نظر می رسد برای اولین بار اصطلاح سواد عاطفی توسط «پیتر سالووی و جان مایر» حدود ۳۰ سال پیش در یک مقاله به کار برده شده است. به طور کلی سواد عاطفی را توانایی در مدیریت کردن احساسات و برقراری روابط عاطفی با افراد اطراف می دانند. این نوع از سواد اهمیت خیلی زیادی دارد. کراش زدن های نامنظم و مکرر می تواند به دلیل پایین بودن سواد عاطفی افراد باشد. عدم کنترل خشم، رفتارهای تکانشی و حساسیت های بالا می تواند به علت ضعف در سواد عاطفی باشد. برای همین است که قبل تر گفتیم در بعضی موارد ممکن است مادر بزرگ های ما از من و شما خیلی باسوادتر باشند. به طور کلی می توان گفت که هوش هیجانی با سواد عاطفی افراد رابطه مستقیمی دارد.



به مناسبت کاهش میانگین نمرات بچه مدرسه ای ها به بررسی انواع سوادها پرداخته ایم

سین مثل سواد

اولین باری که سواد تعریف شد، از آن به عنوان قابلیت برای خواندن و نوشتن یاد کردند. یعنی اگر شما نمی توانستید بخوانید و بنویسید، آدم بی سواد می آمدید اما به مرور زمان آدم ها به این نتیجه رسیدند که سواد، صرف خواندن و نوشتن نیست و شروع کردند به ارائه تعاریف جدید و متفاوت از انواع سواد. در نتیجه این اتفاق افتاد که در بعضی از حوزه ها مادر بزرگ های گوگولی ما، از من و شما و خیلی از استاد های دانشگاه با سواد تر شدند. در این صفحه می نویسیم از چند نوع سواد و پدر و مادر آنها.

امیرعلی حبیبی

نوجوانه



سواد مالی

از آنجا که بشر از ابتدای حیاتش روی زمین همواره با مسائل مالی مشکل داشته، دانشمندان بر این باورند که سواد مالی عمری به پهنای تاریخ دارد. با این تفاوت که در سال های ابتدایی، افراد با تجربه خود و به مرور و با استفاده از توصیه آشنایان و...

به این سواد می رسیدند و در نهایت به جایی رسید که با شرکت در کلاس های مدرسه و آموزش ها، سواد مالی خودشان را افزایش دادند. این طور که اسناد نشان می دهند، اولین بار «بنجامین فرانکلین» ۳۱ ساله در مورد سواد مالی به صورت مشخص و واضح صحبت کرده است. به عنوان توصیه آخر این قسمت بگذارید بگویم: قطعاً پول چرک کف دست است، اما هیچ کس با دست های تر و تمیز به جایی نرسیده است.



سواد رسانه ای

«زمانی که دهکده جهانی تحقیق باید، لازم است انسان ها به سواد جدیدی به نام سواد رسانه ای دست یابند. فرهنگ دیگر در چارچوب مرزهای جغرافیایی تعریف نمی شود. فرهنگ را هم مردم دنیا می سازند.» خدایامرز «مارشال مک لوهان» حدود ۵۰ سال پیش برای اولین بار این تعریف را برای سواد رسانه ای و همزمان با افزایش همه گیری رسانه ها ارائه داد. مارشال هیچ وقت فرصت پیدا نکرد که وضعیت رسانه را در این روزها

ببیند و بعد بفهمد که دهکده جهانی دارد به یک کوچه بن بست تبدیل می شود که هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده، همه از آن خبر دارند. البته خوشایه حال مارشال که ندید با کتاب تفکر و سواد رسانه ای چه بلایی سر این سواد و دانش آموزان آورده اند.



سواد دیجیتالی

برخلاف بسیاری از آدم های دیگری که در این صفحه از آنها یاد کرده ایم و مرحوم شده اند، پائول گلیستر هنوز زنده است و می تواند در مورد تعریف خودش از سواد دیجیتال دفاع کند. دقیقاً در همان زمانی که همه از سواد به نام سواد کامپیوتری صحبت می کردند؛ پائول گلیستر با زرنگی در سال ۱۹۹۷ از کلمه ای تحت عنوان «سواد دیجیتال» یاد کرد و گفت اینها

هیچ ربطی به کامپیوتر ندارند و هر چیزی که مربوط به اینترنت و موارد مرتبط به آن است، در دسته سواد دیجیتالی قرار می گیرد. آنجا بود که پرونده این نوع سواد بسته شد و دیگر هم کسی به دنبال تعریف جدیدی از سواد در این حوزه نرفت.



سواد فرهنگی

«هیرش» در سال ۱۹۸۳ سواد عاطفی را به این دلیل تعریف کرد که افراد بدون داشتن دانش یا همان سواد فرهنگی نمی توانند مهارت های دیگر مانند خواندن، نوشتن و... را بیاموزند. تقریباً می توان گفت هیرش بر این باور است که سواد فرهنگی زیرشاخه تمام انواع سواد است. وقتی از سواد فرهنگی صحبت می کنیم، می توانیم به ناهنجاری های اجتماعی و رفتارهای

ضد اجتماعی هم اشاره کنیم. عموماً آدم ها به دلیل نداشتن سواد فرهنگی کافی درگیر ناهنجاری های اجتماعی می شوند. همین طور باید توجه کنیم که با آموختن یک زبان، ما صرفاً سواد خواندن و نوشتن آن زبان و منطقه را کسب می کنیم و همچنان با نقص یابی سواد فرهنگی روبه رو هستیم. برای همین است که امروزه تأکید می شود در آموزش یک زبان باید بافت فرهنگی مقصد را در نظر بگیریم و رفتارهای هنجار و ناهنجار را به صورت جداگانه بررسی کنیم.



سواد نژادی- قومیتی

«فرانس ویندنس» کسی بود که در انگلستان به بررسی خانواده های نژادی می پرداخت. این خانم با بررسی های خود سعی می کرد که الگوهای زندگی این افراد را کشف کند و در مورد زندگی آنها به یک سری نتایج کلی برسد. همین طور فرانس سعی می کرد با بررسی این خانواده ها تأثیر محیط بر آنها و تأثیر آنها بر محیط را بررسی کند. فرانس هم همچنان زنده است و در تلاش است که این اصطلاح را رواج دهد و در مورد آن بیشتر کار کند.

به طور کلی سواد نژادی و قومیتی به عنوان توانایی افراد در پذیرش افراد دیگر از اقوام و نژادهای دیگر و عدم رفتارهای تبعیض گونه و تمسخر این اقوام تعریف می شود. خلاصه که اگر چوک های قومیتی می خوانید، از این جنبه آدم بی سواد یا کم سواد می هستید.



سواد سلامتی

برخلاف آن چیزی که سواد سلامتی به ما القا می کند، این مورد هیچ ارتباطی به کادر درمان و حرفه پزشکی ندارد؛ بلکه این مورد به این معناست که شما نشانه های خطر را بشناسید، بتوانید مشکلات جسمی و روحی خود را برای متخصص توضیح دهید و خود را در معرض تغذیه صحیح و مناسب قرار دهید. در سواد سلامتی مفهومی تحت عنوان «زبان درد» وجود دارد که به متخصصان کمک می کند بهتر بتوانند شما را تحت درمان قرار دهند. برای مثال، خیلی مهم است شما بتوانید بگویید سردرد شما نبض دارد یا تیر می کشد.

راستی! جا دارد بگویم که کارآگاه های نوجوانه تصمیم گرفتند که پدر این سواد را معرفی نکنند تا ز شما بخواهند که با ذره بین و کلاه کارآگاه گجتی به دنبال این شخص بگردید و درباره اش بخوانید.

